

تحلیل محتوایی کتاب دستور زبان استاد خیام‌پور و مقایسه آن با دستور زبان وحیدیان کامیار

مأنده خوش روان^۱، سارینا عزیزی^۱، روزین امجدیان^۱، فائزه خسروی^۱، مریم خاکی^۱، فاطمه جعفری کلپیر^۲

^۱ دانشجوی معلمان آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تبریز

^۲ دکتری زبان و ادبیات فارسی استادیار دانشگاه فرهنگیان تبریز (نویسنده مسئول)

چکیده

زبان پدیده پویا و تغییرپذیر است که همواره دستخوش تحول و تطور قرار می‌گیرد. مثل هر موجود زنده دیگر واحدهای زبانی متولد شده رشد کرده به بلوغ و روایی می‌رسد و اندک‌اندک راه زوال را طی می‌کند. دستور بخشی از زبان فارسی است که درباره ساخت آوایی؛ صرفی؛ نحوی و معنایی زبان بحث می‌کند. در این نوشتار سعی شده است کتاب دستور زبان فارسی دکتر عبدالرسول خیام‌پور مورد نقد و بررسی قرار گیرد و به صورت اجمالی با کتاب دستور زبان فارسی دکتر تقی وحیدیان کامیار مقایسه شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است و خواندن آن به دانشجویان ادبیات و زبان‌شناسی که بدنبال اطلاعات بیشتری درباره کتاب دستور هستند توصیه می‌شود. حاصل این مطالعه و پژوهش آن‌که مباحث دستور زبان همواره در حال تغییر بوده و هراز چند سال بازنگری در آن یک ضرورت علمی است.

واژه‌های کلیدی: دستور زبان، خیام‌پور، وحیدیان کامیار، ادبیات، زبان فارسی

مقدمه

ضرورت حفظ زبان عاملی بوده که همواره مردم یک دیار و دانشمندان و هنروران آن اقدام به نگارش و تدوین دستور زبان خود کرده اند. در فرهنگ معین واژه‌ی دستور به این معانی آمده است: فرمان؛ وزیر؛ قاعده؛ اجازه و برنامه. در فرهنگ لغت دهخدا ریشه واژه‌ی دستور این چنین آمده: این لفظ مرکب است از لفظ "دست" به معنی سند و قدرت باشد و از لفظ "ور" که به معنی صاحب آید.

شروع نگارش دستور برای زبان فارسی بعد از قرن هفتم هجری قمری بوده است. قواعد زبان برای اهل زبان فطری و طبیعیست و مردم نیازی به فراگیری زبان مادری احساس نمی‌کنند اما وقتی زبان از محل اصلی به محل دیگری برود به قواعد دستور زبان احتیاج پیدا می‌کند. مستندات به ما نشان می‌دهد که در قرن قدیم ایران قواعد و دستور زبان وجود داشته است. (مهدوی و محمدی ۱۳۹۵)

تدوین قواعد زبان برای هر قومی چند ثمره و نتیجه مهم دارد از جمله اینکه زبان و ادبیات از نفوذ و تسلط بیگانگان حفظ می‌کند دیگر اینکه وسیله‌ی سهولت تعلیم و تعلم زبان در نتیجه سبب موج و پیشرفت سریع آن در کشورها و اقوام دیگر می‌گردد (همایی ۱۳۷۷) در ادامه به تحلیل محتوایی جامع دستوز زبان فارسی خیام‌پور پرداخته می‌شود سپس مقایسه‌ای از این کتاب با دستور زبان فارسی دکتر وحیدیان کامیار ارایه می‌گردد.

بیان مسئله: کتاب در ۶ فصل و یک خاتمه تنظیم شده است. پیش از ورود به مقدمه کتاب نکاتی در باب زندگی، احوال و آثار؛ مختصری در مسیر دستوز زبان فارسی؛ درباره چاپ کتاب و نکاتی درباره همین چاپ ارایه شده است. سپس بعد از بیان دیباچه و مقدمه‌عناوینی شامل: طبقه‌بندی زبان‌ها؛ تاریخ دستور زبان؛ دستور زبان؛ اجزای سخن؛ ملاحظات دربارۀ بعضی از حروف؛ حقیقت جمله و ثقل آن؛ ارکان جمله و زاید آن؛ قلب و حذف توضیحی آمده است.

عناوین فصول

فصل اول اسم؛ فصل دوم صفت؛ فصل سوم فعل؛ فصل چهارم قید؛ فصل پنجم شبه جمله؛ فصل ششم حرف (اعداد) و خاتمه‌ای در پاره‌ای از مباحث مهم دستور زبان.

فصل اول: اسم؛ شامل تعریف اسم و اقسام اسم می‌شود. خیام‌پور در این فصل اسم را بر دو قسم تعریف کرده است؛ صریح و کنایه.

اسم صریح بر چند قسم است: ۱- اسم عام و اسم خاص ۲- ذات و اسم معنی ۳- جامد و اسم مشتق ۴- مضمّر ۵- مفرد و جمع ۶- بسیط و مرکب

اسم ذات و اسم معنی شامل: الف) اسم صوت ب) اسم لفظ ج) اسم معنی

پس از آن اقسام اسم مرکب شرح داده شده است؛ اسم مرکب به قرار زیر تشکیل می‌شود:

۱- از دو اسم که بر چند نوع است:

الف) اسم اول مضاف و دوم مضاف الیه بوده باشد: تخت‌خواب

ب) اولی مضاف الیه و دومی مضاف: داروخانه

ج) اولی وصف و دومی موصوف: تندباد

د) اولی مسند و دومی مسندالیه

ه) اولی معطوف الیه و دومی معطوف

و) اولی مفعول صریح و دومی مصدر مخفف

۲- از اسم و صفت که بر چند نوع است:

الف) صفت اسم را توصیف کرده باشد.

ب) اسم برای صفت مفعول صریح بوده باشد.

ج) اسم برای صفت مسند الیه بوده باشد.

۳- از صفت و اسم:

الف) اسم صفت را توصیف کرده باشد.

ب) صفت برای اسم مسند بوده باشد.

ج) صفت به سوی اسم اضافه شده باشد.

۴- از دو صفت

۵- از دو فعل:

الف) از دو فعل امر: بزن و بکوب / بگیر و ببند

ب) هر دو فعل مضارع

ج) اولی ماضی و دومی فعل امر

۶- از یک جمله

۷- از دو قید

۸- از قید و اسم

※ اقسام اسم کنایه که بر سه قسم است:

۱) ضمیر که بر چهار قسم است:

الف) ضمیر شخص

ب) ضمیر اشاره

ج) ضمیر مشترک

د) ضمیر اختصاص

۲- مبهمات

۳- اسم استفهام

* حالات اسم، سیزده مورد است:

(۱) حالت فاعلی

(۲) حالت مسند الیهی

(۳) حالت مسندی

(۴) حالت مفعول صریحی

(۵) حالت مفعول غیر صریحی

(۶) حالت اضافی

(۷) حالت نداعی

(۸) حالت قیدی

(۹) حالت عطفی

(۱۰) حالت بدلی

(۱۱) حالت متممی

(۱۲) حالت تمییزی

(۱۳) حالت وصفی

* تجزیه که بر سه قسم است:

(۱) تجزیه کلمه

(۲) تجزیه جمله

(۳) تجزیه کلام

فصل دوم: «صفت»

صفت بر پنج قسم است:

(۱) صفت مطلق

(۲) صفت اشاره

(۳) صفت شماره

(۴) صفت استفهام

(۵) صفت ابهام

*اقسام صفت مطلق بر دو نوع است:

سماعی و قیاسی

صفت قیاسی خود بر ۶ نواع است:

(۱) صفت فاعلی

(۲) صفت مفعولی

(۳) صفت نسبی

(۴) صفت ترکیبی

(۵) صفت تفضیلی

(۶) صفت عالی

*احکام وصف که در ۶ مورد توضیح داده شده:

صفت را ۶ حالت است:

۱- حالت وصفی

۲- حالت مسندی

۳- حالت قیدی

۴- حالت متممی

۵- حالت عطفی

۶- حالت بدلی

فصل سوم: فعل بر دو قسم است: لازم و متعدی

خیام‌پور در تقسیم‌بندی دیگری فعل را به دو نوع تقسیم می‌کند:

فعل مرکب؛ فعل ناقص

وی برای فعل سه جنبه ارایه می‌کند: شخص؛ زمان؛ وجه

هر فعل به اعتبار جنبه شخص شش صیغه دارد.

فعل به اعتبار جنبه زمان بر چهار گونه است: ماضی؛ مستقبل؛ مضارع؛ امر که هر کدام از آن انواعی دارد.

از لحاظ وجه نیز به سه دسته اخباری؛ احتمالی و امری

فصل چهارم: قید

خیام‌پور در توضیح قید می‌نویسد: قید کلمه‌ای است که برای مقید ساختن فعل؛ شبه فعل تا قید وضع شده باشد. وی برای

توضیح اقسام قید آنها را در دو گروه ارایه می‌کند:

الف) اقسام قید به اعتبار تلفظ شامل: قید مفرد؛ مرکب؛ و موول می‌شود

ب) اقسام قید به اعتبار معنی: چون که اقسام قید به اعتبار معنی بسیار است خیام‌پور به ذکر اندکی پرداخته‌است:

۱- قید زمان

۲) قید مکان

۳- قید حالت

۴) قید کمیت

۵) قید کیفیت

۶) قید علت

۷) قید تصدیق

۸) قید شبهه

۹) قید تمیز

۱۰) قید معیت

۱۱) قید انفراد

هریک از این قید هارا به سه دسته‌ی مفرد؛ مرکب و موول تقسیم بندی کرده است.

فصل پنجم: «شبه جمله»

خیام‌پور در توضیح شبه جمله آورده است: کلمه‌ای است که متضمن معنی جمله‌ای باشد.

وی معتقد است در تجزیه شبه جمله تناه ذکر شبه جمله کافی است.

فصل ششم: «حرف»

خیام پور حرف (ادات) را اینگونه تعریف می‌کند:

حرف یا ادات کلمه ای است که از استقلال معنوی محروم کرده است. از آثار این محرومیت؛ نیازمندی کلمه است به مدخول خود و نماینده نقش توی آن بودن. مانند حروف اضافه؛ حروف ربط؛ حروف اسناد و غیر آن‌ها.

۱- حروف اضافه

حروف اضافه ادواتی هستند که به اول اسم در می‌آیند تا آن را با یکی از معانی ابتدا، انتها، استعلاء، ظرفیت، علیت، مصاحبت و امثال آنها به فعل و شبه فعل نسبت دهند. در آن صورت، اسم، مفعول غیر صریح، (مفعول به واسطه) فعل یا شبه فعل است و این، عامل آن (عامل به واسطه حرف اضافه). گاهی عامل حرف اضافه به جای شبه فعل، اسمی است مؤول به شبه فعل.

۲- حروف اسناد: حروفی هستند که مسند را به مسندالیه ربط می‌دهند. خیام پور می‌گوید: (حروف اسناد را معمولاً از افعال می‌شمارند ولی چون معنی آنها استقلال ندارد و جزاین که برای ربط مسند به مسند الیه واسطه و اداتی باشند، منظوری از آنها نیست، بدین جهت آنها را جزو حروف می‌شماریم.)

۲- حروف ربط

خیام پور در توضیح حروف ربط گفته است: ((حروف ربط حروفی هستند که دو کلمه یا دو جمله را به همدیگر می‌پیوندند.)) خیام پور معتقد است که آنچه بیشتر به شرح احتیاج دارد، حرف ((که)) است که معانی و انواع مختلفی دارد. او می‌گوید: ((که)) عموماً بر دو قسم است: اسم استفهام و حرف ربط.

خیام پور در ادامه انواع حرف ربط را ذکر می‌کند:

۱- حرف ربط ساده: الف) برای بیان علت فعل ب) برای غایت فعل ج) به معنی اگر (د) به معنی چون ه) برای جواب قسم و) برای مفاجات ز) برای قید حالت ح) برای دعا یا نفرین

۲- حرف ربط تاویلی: حرف ربط تاویلی در کتاب خیام پور چهار قسم دارد: تاوایل مصدر اصلی، تاوایل به مصدر بدلی، تاوایل صفت اصلی و تاوایل به صفت بدلی.

۱- ۲- تاوایل به مصدر اصلی: در کتاب خیام پور تاوایل به مصدر اصلی چند حالت دارد:

الف) حالت فاعلی داشته باشد. ب) حالت مسندالیهی ج) حالت مسندی د) حالت مفعول صریحی ه) حالت مفعول غیر صریحی و) حالت مضاف الیه

۲- ۲- تاوایل به مصدر بدلی: انواع تاوایل به مصدر بدلی: الف) از فاعل بدل باشد. ب) از مسندالیه بدل باشد. ج) از مسند بدل باشد. د) از مفعول صریح باشد. ه) از مفعول غیر صریح بدل باشد. و) از مضاف الیه بدل باشد.

۲- ۳- تاوایل به صفت بدلی: چند حالت دارد: الف) بدل از فاعل ب) بدل از مسندالیه ج) بدل از مسند د) بدل از مفعول صریح ه) بدل از مفعول غیر صریح و) بدل از مضاف الیه ز) بدل از منادا ح) بدل از متمم ناقص

۴-حروف ندا: یعنی حروفی که برای منادا ساختن اسم به کار می‌روند. مانند ای، یا، ایا و غیر آنها.

۵-حرف مفعولی: لفظ آن ((را)) است که در مفعول صریح به کار می‌رود.

۶-حرف پرسش: کلمه ((آیا)) است که فقط پرسش را می‌رساند.

۷-علامت حرف اضافه:خیام پور در کتاب خود ذکر می‌کند که برای مضاف الیه علامت مخصوصی نیست جز کسره آخر مضاف که درمضاف که در موصوف هست ولی گاهی بدین منظور پس از مضاف الیه لفظ ((را)) می‌آورند.در آن صورت اغلب مضاف الیه را بر مضاف مقدم دارند.

۸- حرف تاکید: الف ((به)) پیش از کلمه عمدا ب ((به)) پیش از متمم فعل ناقص((شمرد))

ج ((به)) پیش از کلمه بسیار د ((به)) پیش از کلمه تنها

حروف تاکید: ((به))، ((مر))، ((در))، ((تا))، ((که))

در بخش پایانی کتاب خیام پور خاتمه ای در باب مباحث مهم دستور زبان آورده است.مبحث نخستین تجزیه جمله و کلام است. خیام پور در تجزیه جمله به ترتیب زیر عمل می‌کند:

- از اسم و اقسام صفت تنها حالات آن را ذکر می‌کنیم.

- در فعل فقط ذکر فعل، ناقص یا مرکب بودن و متمم فعل ناقص را بیان می‌کنیم.

- در شبه جمله تنها ذکر ((شبه جمله)) کافی است.

- در حروف ، باید نوع آنها را معلوم ساخت، منتها در حرف اضافه متعلق آن و در حرف تاویل نوع آن را با حالت جمله مؤول نیز باید ذکر کرد.

- اگر در جمله حذفی باشد، باید آن را هم ذکر کرد.

در تجزیه کلام و اقسام جمله، او جملات را از لحاظ ارتباط با جمله های دیگر بر هفت قسم تقسیم می‌کند: ۱-جمله آزاد ۲-جمله های به هم پیوسته ۳- جمله های متداخل ۴- متجانس ۵-جمله تفسیری ۶- جمله مؤول:الف) جمله مؤول به مصدر اصلی ب) جمله مؤول به مصدر بدلی ج) جمله مؤول به صفت اصلی د)جمله مؤول به صفت بدلی ه)جمله مؤول قیدی و)جمله مؤول بدل از مؤول ۷-جمله بدلی

مبحث دومی که خیام پور در خاتمه آورده است مبحث حذف است که شامل این موارد می‌شود: ۱) حذف (اگر) ۲) حذف (واو) ۳) حذف حرف ربط(ولی) و امثال آن ۴) حذف حرف ربط (چون) ۵) حذف حرف ربط (نیز) ۶) حذف تاویل (ک) ۷) حذف

حرف اضافه (به) ۸) حذف حرف اضافه (از) ۹) حرف ادات اسناد ۱۰) حذف جزء دوم از مصدر مرکب ۱۱) حذف مضاف ۱۲)

حذف مضاف الیه ۱۳) حذف فعل ۱۴) حذف مسندالیه ۱۵) حذف جمله

درمبحث سوم از مفردات سخن به میان می آورد:

۱) «از» برسه قسم است: ۱- علامت مضاف الیه ۲- از حرف تاکید ۳- حرف اضافه: الف) برای ابتدا ب) برای ابتدا ج) برای سببیت
د) برای ملکیت و اختصاص ه) برای مجاورت و) برای رفع ابهام از مفرد ز) برای قید تمیز ح) برای بیان جنس ط) برای استعانت
ی) واسطه تفضیل یا) به معنی وظیفه یب) برای بیان موضوع یج) به معنی بدل

۲) «اگر»: ۱- برای شرط ۲- به معنی (اگر چه) ۳- به معنی (یا) ۴- به معنی (خواه) ۵- برای نفی جواب قسم ۶- در معنی که

۳) «به»: ۱- از حرف تاکید ۲- حرف حرف اضافه: الف) ظرفیت ب) استعانت ج) علت د) قسم ه) مقابله و) مقدار ز) مصاحبت ح)
استعلا ط) برای تمیز و به معنی (از حیث) و (به اعتبار) و امثال آنها ی) به معنی موافق

۴) «با»: ۱- مصاحبت ۲- برای الصاق، که از معانی (به) باشد ۳- برای مقابله ۴- به معنی «در حق» و «درباره»

۵) «بر»: ۱- از حروف تاکید است ۲- حرف اضافه است: الف) استعلا ب) به معنی (برای) ج) به معنی ضرر و علیه مدخول خود
د) برای لزوم و وظیفه

۶) «تا»: ۱- حرف تاویل است ۲- شبه جمله است ۳- حرف اضافه است: الف) برای انتها ب) به معنی (به) برای تدریج ۴- حرف
ربط است: الف) نتیجه و معلول ب) برای انتظار نتیجه و عاقبت است ج) برای بیان دوام د) برای ابتدا است ه) به معنی (از)
تفضیلی است.

۷) «چه»: ۱- اسم است (مخفف چیز) ۲- حرف ربط: الف) برای تساوی ب) برای بیان علت ۳) صفت استفهام است ۴- صفت
ابهام

۸) «چند»: ۱- صفت ابهام ۲- صفت استفهام

۹) «چون»: ۱- حرف ربط است: الف) برای توقیف است ب) برای بیان علت است ج) برای تشبیه است ۲- صفت استفهامی
است: حالت وصفی، حالت مسند، حالت قیدی

۳- حرف اضافه است ۴- حرف تاویل است بعد از لفظ چنان

۱۰) «چنان»: ۱- صفت اشاره ۲- حرف اضافه است

۱۱) «را»: ۱- حرف مفعولی ۲- از حرف تاکید ۳- علامت مضاف الیه

۴- حرف اضافه: الف) به معنی برای ب) به معنی (به) ج) برای مقابله

د) به معنی (از) ه) به معنی (در) و) به معنی (بر)

۱۲) «کجا»: ۱- اسم استفهام است ۲- حرف ربط است: الف) حرف ربط ساده

ب) حرف ربط ساده برای تعلیل رج) حرف تاویل به صفت اصلی

- (د) حرف تاویل به صفت بدلی ه) حرف تاویل به مصدر اصلی و) حرف تاویل مصدر بدلی
- (۱۳) «مگر»: حرف ربطی است: الف) برای استثنای مفرد ب) برای استثنای جمله
- ۲- قید تصدیق است الف) برای بیان تردید و احتمال ب) برای استفهام
- (۱۴) «نه»: ۱- حرف ربط است: الف) برای نفی مربوط و مربوط به ب) فقط برای نفی مربوط ۲- شبه جمله‌ای است.
- (۱۵) «هم»: ۱- اسم مبهم است ۲- حرف ربط است: الف) برای ربط مفرد به مفرد ب) برای ربط جمله به جمله
- (۱۶) «همه»: ۱- اسم مبهم ۲- صفت ابهام ۳- قید زمان ۴- قید کمال
- (۱۷) «و»: ۱- برای عطف ۲- استبداد و مبنایت ۳- برای حالت ۴- برای ملازمت ۵- برای معیت ۶- برای موازنه ۷- برای مساوات.
- در پایان هم تمریناتی برای تثبیت یادگیری و تمرین بیشتر آورده است. چند صفحه آخر کتاب هم به منابع و مآخذ اختصاص دارد.

نگاهی اجمالی به کتاب دستور زبان فارسی (۱) از دکتر تقی وحیدیان کامیار

شناسنامه کتاب: دستور زبان فارسی (۱) دکتر تقی وحیدیان کامیار، غلامرضا عمرانی، چاپ شانزدهم، تهران: سمت، تابستان ۱۳۹۴ ۱۳۰ صفحه

نویسندگان، این کتاب را فصل بندی نکرده و مباحث آن را تیتروار بیان کرده اند .

در بخش مقدمه مطالبی در مورد علت یادگیری دستور، ربان، وظایف زبان و واحد های زبان ارائه شده است .

روش این کتاب علمی و توصیفی است نه تجدیدی.

در بخش ابتدایی در ارتباط با جمله و انواع آن، ترتیب اجزا جمله سخن به میان آمده است.

در بخش بعدی تحت عنوان گروه فعلی موضوعاتی همچون ویژگی های فعل، شخص، زمان آن، کاربرد زمان افعال، وجوه افعال و ویژگی های فعل آورده شده است.

قسمت بعدی ساختمان فعل است .فعل مرکب و فعل کمکی در این قسمت توضیح داده شده است.

در بخش گروه اسمی در ارتباط با ویژگی های اسم و نقش گروه اسمی بحث شده است .

در قسمتی از کتاب هم نویسنده انواع ضمیر را بیان کرده است.

ساختمان گروه قیدی و انواع آن و تکرار قید هم مطالبی هستند که به آنها پرداخته است .

در قسمت پایانی هم به صورت گذرا نقش نما، جمله مرکب صامت میانجی، تکیه در کلمه و جمله، ساختمان واژه، توصیف شده است.

نتیجه گیری

با مقایسه این دو کتاب به این نتیجه می توان رسید که کتاب خیام پور ساختاری محکم و استوار دارد و مبانی زبان شناسی در آن رعایت شده است و چهار چوب های منطبق با زبان فارسی است. ویژگی برجسته کتاب دستور وحیدیان کامیار از لحاظ زبان شناسی به روز بودن و ساختمان ساده و مختصر و مفید کتاب است.

مقایسه کوتاهی از بخش‌هایی از دو کتاب

دستور زبان خیام‌پور اسم را به صورت مختصر تعریف کرده و اقسام اسم را به صورت اسم صریح و اسم کنایه معرفی کرده است. در ادامه برای هر کدام از آنها زیرمجموعه‌هایی را توضیح داده است. در دستور زبان وحیدیان اسم را به کمک نقش‌های اسم تعریف کرده و ویژگی‌های اسم را به صورت: وابسته‌پذیری، شمار، شناس و ناشناس، عام و خاص و ساخت معرفی کرده است و برای هر کدام توضیحاتی آورده است. تعریف فعل در کتاب دستور وحیدیان کامیار این گونه است: مهم‌ترین عضو گزاره گروه فعلی است که از یک بن فعل به اضافه شناسه تشکیل می‌شود. فعل با شناسه همراه است و معمولاً با نهاد جمله مطابقت می‌کند. اما فعل در تعریف خیام‌پور جامع‌تر است و شبه فعل را شامل می‌شود. بر طبق تعریف وی فعل کلمه‌ای است که همیشه مسند باشد. به عبارت دیگر دلالت کند بر وقوع یا لاوقوع کاری در زمان معینی از گذشته، حال و آینده.

وحیدیان کامیار برای فعل شش ویژگی در نظر گرفته است: شخص، شمار، گذر، معلوم و مجهول، وجه، نمود. اما مباحثی که در بخش فعل کتاب خیام پور آمده است بدین شرح است: شبه فعل، لازم و متعدی، فعل مرکب، فعل ناقص، تکلمه، مطالبه فعل با فاعل، اصل فعل، جنبه‌های سه‌گانه فعل، تجزیه فعل.

قید: وحیدیان کامیار در توضیح گروه قیدی به توضیحات مجملی بسنده کرده و در تعریف قید آورده: بخشی از سخن است که فعل به آن نیازمند نیست و به همین دلیل از جمله قابل حذف است. از نظر وی گروه قیدی به لحاظ ساختمان دو گونه است: (۱) گروه‌های قیدی نشانه ۲) گروه‌های قیدی بی‌نشانه که هر کدام زیرمجموعه‌هایی دارند. اما خیام‌پور می‌گوید قید کلمه‌ای است که برای مقید ساختن فعل، شبه فعل یا قید وضع شده باشد. او اقسام قید را به اعتبار لفظ بر سه قسم و به اعتبار معنی بر دوازده قسم تقسیم کرده است.

منابع و مراجع

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۱۱، دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت،
- خیام‌پور، عبدالرسول، ۱۳۴۱، دستور زبان فارسی، تهران، کتابفروشی تهران، چاپ، دوم، ۱۴۰۰، تبریز
- فرشیدورد، خسرو، ۱۳۸۲، دستور مفصل امروز، تهران: سخن
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، ج ۷، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ: دوم
- معین، محمد، ۱۳۷۷، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ: ۲۶
- مهدوی، محمدجواد، محمد محمدی، تاریخچه مختصر دستورنویسی در زبان فارسی، ۱۳۹۵، کنگره بین‌المللی
- زبان و ادبیات فارسی
- وحیدیان کامیار، تقی، تابستان ۱۳۹۴، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ: شانزدهم